

نقش دولت و مردم در اقتصاد

از نگاه روزنامه‌آختر

عبدالمهدی رجایی

اشاره

نخستین شماره کاغذ اخبار، اولین روزنامه فارسی زبان چاپ ایران، در سال ۱۸۳۷ م یعنی حدوداً ۱۶۳ سال پیش منتشر شد. ولی از انتشار اولین نشریه فارسی زبان چاپ خارج یعنی اخبار هندوستانی نزدیک به دو قرن می‌گذرد. در این مدت نشریات فارسی زبان زیادی به دلایل گوناگون سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در خارج از کشور به چاپ رسیده‌اند. روزنامه‌آختر به‌عنوان اولین روزنامه فارسی‌زبان در اسلامبول پایتخت امپراتوری وسیع عثمانی به چاپ رسید.

مقدمه

آنچه در پی می‌آید سلسله مقالاتی است که هر کدام به بخشی از اقتصاد ایران در قرن نوزدهم نظر دارد و از میان منابع گوناگون، بیش از همه به عقاید و نظرات روزنامه‌آختر توجه می‌کند.

آختر با عمری ۲۳ ساله شاهد و ناظر تیزبین بیش از دو دهه از حیات جامعه ایران بوده که در سال بعد از مرگ ناصرالدین شاه، آفتاب زندگی او نیز به خاموشی گرایید (۱۳۱۴-۱۲۹۲ ه. ق.)^۱ این روزنامه نقش برجسته‌ای در بالا بردن سطح فرهنگ عمومی و آشنا نمودن ایرانیان با مفاهیم جدید داشت، چرا که به سرعت مورد توجه روشن‌اندیشان عصر خویش قرار گرفت. محیط طباطبایی می‌گوید: «روزنامه‌آختر مدت بیست سال متوالی جلوه‌گاه افکار ایرانیان از وطن دورافتاده‌ای بود که هنوز به سعادت و ترقی و تحول اوضاع کشور خود امیدوار بودند»^۲ مدیر روزنامه میرزا طاهر تبریزی بود و نویسندگان آن کسانی چون میرزا یوسف مستشارالدوله، میرزا حسین خبیرالملک، میرزا آقاخان کرمانی، میرزا حبیب اصفهانی، طالبوف و دیگران بودند. خصوصیت منحصر به فرد و آزادی عمل نسبی

۱- برای آشنایی بیشتر با این روزنامه ر.ک. به عبدالمهدی رجایی، «نقد روزنامه‌آختر» مجله رسانه، سال یازدهم، شماره سوم، پاییز ۷۹.

۲- محیط طباطبایی، تاریخ تحلیلی مطبوعات، انتشارات بعثت، چاپ اول، تهران ۱۳۶۶، ص ۳۹.

۳- روزنامه‌آختر به همت کتابخانه ملی در حال چاپ می‌باشد که تا کنون ۵ سال آن در دو جلد به بازار آمده است.

نقش دولت و مردم در اقتصاد

اختر در بررسی و تبیین نقش دولت و مردم در اقتصاد شدیداً متأثر از لیبرالیزم اقتصادی اروپای آن روز است. از همین منظر او دو پیشنهاد به دولت ایران ارائه می‌دهد: نخست از دولت می‌خواهد برای سرمایه‌گذاریهای خصوصی امنیت لازم را ایجاد نماید. دوم خواستار عدم مداخله دولت در فعالیتهای اقتصادی است - کاری که اختر ورود به عرصه آن را فقط در حوزه وظایف مردم می‌داند و همواره از بخش خصوصی می‌خواهد به وظیفه خود عمل کند - راهکاری را هم که به صاحبان سرمایه پیشنهاد می‌کند تأسیس شرکت می‌باشد اکنون به شرح آن می‌پردازیم.

اختر بنا بر زیربنای تفکری خود که جلوه‌ای از آن را در پاورقی «مبادی ثروت ملل» با خوانندگان در میان گذاشت، در فصل ۱۵ آن که «در بیان امنیت عمومی و مداخلت آن در تزئید ثروت» است می‌گوید: مالیاتی که افراد یک جامعه به دولت خود می‌پردازند به واقع بهای محافظت و امنیت آنهاست. حتی تا آنجا پیش می‌رود که «عمده مقصود» از برقراری حکومت را حفظ امنیت عمومی می‌داند و حکومتی که در این وظیفه خود قصور کند، نه فقط به مردم خود خیانت کرده، بلکه به خود نیز ستم نموده است، چرا که در چنین جامعه‌ای توانگران سرمایه‌های خود را از گردش خارج کرده در خاک پنهان می‌کنند. در نتیجه بازار تجارت و صنعت از رونق خواهد افتاد و حکومت مالیات کمتری به دست خواهد آورد و مجموعه آن جامعه متضرر می‌شود؛ اما بر جامعه مخاطب اختر قواعد دیگری حکمرانی می‌کرد. در آنجا «هر کس می‌خواهد لقمه‌نانی را که در کف زبردست اوست از چنگش بریابد... حال آنکه بالادست او نیز با او همان آتش را در کاسه دارد».^۴ این وضع در سلسله مراتب قدرت به بالا شدیدتر می‌شود تا به خود شاه می‌رسد. شاه به میل خود می‌توانست در جان و مال زبردستان خود تصرف کند تا آنجا که از دارایی صدر اعظم‌های درگذشته خود نیز چشم نمی‌پوشید.^۵ در این جامعه عجیب نیست که ثروتمندان دارایی خود را با این اعتقاد به اصل که «طلا حرف نمی‌زند» نقد کرده پنهان می‌کردند.^۶ حتی ایرانیان توانگر خارج از کشور نیز از دستهای ریابنده حکومت قاجار یعنی مأمورین دولتی در امان نبودند. امین‌الضرب در سال ۱۳۰۱ به شاه شکواییه می‌برد که اولیای دولت به جای آنکه مردم را به انجام کارهای بزرگ ترغیب و مطمئن کنند «مال مردم را مثل شیر مادر بر خود حلال

دانسته و فرض خود می‌دانند مال مردم را تمام کنند».^۷ در اینجا اختر خود را در مقابل صفی می‌بیند که یک‌سوی آن شاه و سوی دیگر آن جزئی‌ترین وابسته حکومت است. شخص شاه که حسابش جداست، تنها وقتی فرمان «امنیت عمومی» را صادر نمود اختر با شغف فراوان خبر را نقل کرد^۸ و شرحی در باب ستم و تعدیات حکام و عمال دولتی نگاشت.^۹ اما نمی‌دانست برای ناصرالدین شاه، بزرگترین فرمانش «همین که یک شب گذشت دیگر کهنه است»^{۱۰} چرا که شاه پیشتر نیز به حکام خود در این رابطه دستورات اکید ابلاغ کرده بود.^{۱۱} راجع به حکام ولایات و مأموران جزء هرگاه اختر اخباری از تعدیات آنها نقل می‌کرد، با زیرکی دولت را در مقابل آنها قرار می‌داد و می‌گفت انصاف نیست او آن همه پول با بی‌حسابی از مردم بگیرد و یک دهم آن را نیز به دولت ندهد، در عوض دولت را بدنام کند^{۱۲} و با این کار «موجب شماتت بیگانگان شود».^{۱۳} اما در مقابل حکام ایالات که خود جزء حکومت بودند، راهی نداشت جز آنکه توصیه کند «از نان و آب رعیت کیسه دخل ندوزند».^{۱۴} در بحثهای نظری اختر سعی می‌کرد

۴- روزنامه اختر، ش ۳۸، سال ۲۲، ۱۵ ذی‌قعدة ۱۳۱۳، ص ۴۶۴.
۵- محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، روزنامه خاطرات، به کوشش ایرج افشار، امیرکبیر، چاپ دوم، تهران ۱۳۶۹، ص ۱۵۱.

۶- هنریش بروگش، در سرزمین آفتاب، ترجمه مجید جلیلووند، نشر مرکز، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۴، ص ۱۲۲.

۷- فریدون آدمیت و هما ناطق، افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر نشده دوران قاجار، انتشارات آگاه، چاپ اول، تهران، ۱۳۵۶، ص ۳۰۴.

۸- شاه طی فرمان خود از مردم خواست «دارایی خود را بدون ترس و تردید در هر راهی که ترجیح می‌دهند به کار اندازند»، لرد کرزن، جلد ۱، ص ۵۹۸.

۹- روزنامه اختر، ش ۳۶، سال ۱۴، ۳ شوال ۱۳۰۵، ص ۳۰۹.
۱۰- میرزا ملکم خان ناظم‌الدوله، کلیات ملکم، مطبعة مجلس، بی‌تا، ص ۷۳.

۱۱- روزنامه دولت علیه ایران، ش ۵۹۹، ۲۳ شوال ۱۲۸۳، ص ۹۶۴ و روزنامه ایران، ش ۶۷، ۱۰ ذی‌قعدة ۱۲۸۸، ص ۲۶۶.

۱۲- روزنامه اختر، شماره ۵۱، سال ۱۴، ۲۸ ذی‌حجه ۱۳۰۵، ص ۲۰۶.

۱۳- روزنامه اختر، شماره ۲۴، سال ۱۶، ۱۹ جمادی‌الآخر ۱۳۰۷، ص ۱۹۶.

۱۴- روزنامه اختر، شماره ۳۰، سال ۲۲، (۱۳۱۳)، ص ۴۷۳.

شبهه و نامبره شکر اختر
 تهر نوشته جعلی است که در
 در کارهای منافی با دین و آقا محمد ظاهر
 ز بیخ میسود
 کشای و کلاهی کرام در ممالک دور و نزدیک
 کاهی موصوفه آخرین زکاتنه خواهد شد
 روز چهارشنبه ۲۴ صفر سنه ۱۳۱۷
 ۲۲ کون تخی روی و ۱ فوریه ۱۸۸۰



دار اقتصاد اسلامبول ۴۳
 دیگر ۱۳۳۳ هر صومعه ۷۵ فروش مبالغ
 ممالک هر صومعه ایران ۵۵ فران
 ممالک ۵۵ و سنگین بنجر ۱۵ روی نقره
 ممالک ریس و سفاز ۱۵ روی کاغذی
 ممالک اروپا ۲۵ فرانک
 یک نفعه ۷۰ بلوات
 اجرت پوست همه چاپسوده اداره است ۶

این نامه از هر گونه و نایب و اخبار و از سلبات و پولیتیک و علم و ادب و دیگر منافع عامه سخن می گوید
 و توفیق است سودمند را بستان می بخرد
 در نوشته کاغذهای گاه خارج میرسد اداره آزاد است
 کاغذی را که نوشته نمی شود
 صاحبش نپایه استفاده بکند
 کاغذهایی که پول پوست ندارد قبول قفوا شد

تکرارها

از لندن ۱۸ صفر اخترنامه تاسیس
 در نسخه امروزی خود بموجب خبر تکراری
 وین می گوید اینکه شایع شده بود دولت
 اوستریا از سایر دولتهای بزرگ خواهش نموده است

در ایجاب با خود شفق رای ساخته است
 با اعتقاد آن بود که هر گاه انگلیسها خاک افغان را
 خالی نموده بیرون بروند در میان اینها قتال سختی
 بوجود خواهد رسید و کین بنیاد را به جهت
 نماند اینکه با انگلیسها مناسبت داشته و آن را
 معاوضت نمودند بگوشه نقل خواهد رسید
 از لندن ۱۷ صفر بموجب تکرار افغانه
 گاه کنگنه رسیده است جزاں رویش بیان

پوست در مقاله مخصوص خود بگو بد دولت
 دوس هر دو بی تمها مانده است در بیان خیال
 (امیا نفوذ و لیسروسی بکلی زایل شده است)
 زیرا دولت های اروپا هر گونه سرکات دولت دوس را
 بشرفقت ملاحظه میکنند همه هوا خواهان
 صلح و اعتقاد این است که بغیر از دولت دوس هیچ
 دولت در صدد اختلال اساس صلح رئیسین
 نیست

به دولت بفهماند «قدرت دولت و آبادی مملکت» منوط
 به هم هستند و «قدرت و قوت هر دولتی به اندازه
 نفوس و توانگری اهالی است»^{۱۵}
 در اینجا است که از قانون و مساوات و اجرای آن
 سخن می گوید و اینکه نتیجه این دو عدالت است و
 امنیت زاینده عدالت است. امری که آبادی ملک و
 مملکت بدون آن متصور نیست.^{۱۶} اختر مقوله امنیت را
 منشأ چنان ثمرات عظیمی می داند که از زبان یک تاجر
 ایرانی در اسلامبول می گوید که «اگر به او و دوستانش
 امنیت داده شود، راه آهن تهران - مشهد را خود خواهد
 ساخت و آنگاه خود اضافه می کند که اگر امنیت تأمین
 شود پولهای زیادی در ایران زیر خاک و از صندوقها
 بیرون خواهد آمد»^{۱۷}
 نقش دیگری که اختر برای دولت در نظر دارد، عدم
 مداخله در امور اقتصادی است و البته توصیه آن به
 جامعه ایران، تعمیم نابجا به نظر می رسد.^{۱۸} اختر به نقل
 از مکتب «آدام اسمیت» در فصل هشتم «مبادی ثروت ملل»
 می گوید: در کشورهای متمدن دخالت دولت برای حفظ
 «منافع عمومی» است و گرنه از دخالتهایی که در خارج
 این حوزه باشد «مفاسد خیزد» و کم کم آن دخالتها خود
 مانع ترقی اقتصاد و موجب یأس و فتور صاحبان صنایع
 می گردد و مهم تر از آن «قوة مخترعه» ای افراد را ضعیف
 می کند. او دلیل می آورد که محصولات کارخانه های
 خصوصی بهتر و ارزانتر از کارخانه های دولتی هستند

چرا که در مورد اخیر کارگران همچون کسی که برای
 جیب خود کار می کند، زحمت نمی کشند.^{۱۹}
 اختر با همین نگرش نه تنها دولت ایران را ملامت
 نمی کند بلکه از زبان خواننده خود از دولت سپاسگزار
 است که «زیاده بسر آنچه مأمول است مساعدت
 می فرماید» و در دفاع از دولت به توانگران و
 سرمایه داران جامعه خطاب می کند که آنها «کی یکجا
 جمع شده برای راه انداختن کارهای سودمند کمپانی
 تشکیل داده از دولت امتیاز خواستند که اجازه
 نیافتند».^{۲۰} در مقاله ای از خوانندگان خود می پرسد که
 چرا ما انجام همه کارها را از دولت می خواهیم در حالی
 ۱۵- روزنامه اختر، شماره ۱۱، سال ۱۲، ۱۲ ربیع الاول ۱۳۱۳،
 ص ۱۷۵.
 ۱۶- همان جا.
 ۱۷- روزنامه اختر، شماره ۱۳، سال ۶، ۲۸ ربیع الاول ۱۲۹۷،
 ص ۱۰۵.
 ۱۸- چرا که تا عصر رضاشاه و حضور فعال دولت در عرصه
 اقتصاد، وضع به همان گونه بود و هیچ تحول مثبتی صورت
 نپذیرفت.
 ۱۹- روزنامه اختر، شماره ۱۶، سال ۱۲، ۳۰ ذیحجه ۱۳۰۵،
 ص ۱۲۸.
 ۲۰- روزنامه اختر، شماره ۳۴، سال ۱۵، ۱ ذیحجه ۱۳۰۶،
 ص ۲۷۸.

که دولت خود هزار گونه تکلیف سنگین بر عهده دارد که از آن جمله اند محافظت ملت از تجاوز خارجی و داخلی، گرداندن ادارات دولتی و انتظام امور مالی.^{۲۱} اختر حداکثر تکالیف دولت را این می‌داند که برای هر یک از این کارها «نمونه‌ای» بسازد تا مردم از آنها سرمشق گرفته پیروی نمایند و مثال می‌زند که دولت در هر ایالتی یک باب «مکتب حربیه و طب و صنایع و السنه» بسازد. جای دیگر نیز می‌گوید که وظیفه دولت بیش از این نیست که هزار تومان پول بدهد و «ده تخته سجاده به صنعتکاران ملت و وطن سپارش دهد» یا یک طاقه شال را به قیمت صد و پنجاه تومان بخرد تا به این وسیله - یعنی گران خریدن تولیدات داخلی - ارباب صنایع را در رقابت با ساخته‌های کشمیر و لاهور یاری رساند.^{۲۲} نکته جالب اینجاست که روزنامه‌های داخلی بسیار بیش از اختر بر نقش دولت تأکید می‌کنند. روزنامه فرهنگ انجام هر امر مهمی را وابسته به توجه ظل السلطان می‌بیند.^{۲۳} روزنامه ناصری عنوان می‌کند وظیفه دولت در این رابطه «دادن امتیاز و حفظ حقوق موذن» و از آن مهمتر «تأمین طرق» است، با آنکه روزنامه ناصری معتقد است که دولت به اینها کوتاهی نمی‌کند، اما بیش از اختر به نقش دولت نظر دارد. خصوصاً در مسأله زیربنایی راه، پای دولت را به میان می‌کشد و این شاید بدان خاطر است که «ناصری و فرهنگ» کمتر متأثر از مکاتب لیبرالیسم اقتصادی هستند و درست به همین دلیل است که حبل‌المتین کلکته حتی راجع به راه‌آهن نیز با اختر همصدا می‌شود که «راه‌آهن کدام دولت را پادشاه کشیده، مال‌التجاره کدام ملت را دولت حمل کرده؟»^{۲۴} مسأله قابل ذکر اینکه حتی اگر این نظرات نیز پدید نمی‌آمدند دولت ناصری به قول دکتر پولاک «هیچ بر سر آن نبود که برای مقاصد عام‌المنفعه پولی خرج کند، هرچند در آینده صد برابر آن سود عایدش شود».^{۲۵} چرا که دستگاه حکومت استبدادی عصر، جامعه را همانند هرمی می‌دید که باید ثروت و نعمت، با یک جریان یکسویه از قاعده به سوی رأس حرکت کند. در چنین اوضاعی کارهای زیربنایی و اقتصادی به دو طریق امکان تحقق می‌یافت، یا عناصر دولتی و غیردولتی، محض سودجویی یا خیرسانی و به ابتکار خود دست به کارهایی چون کشیدن راه، ساختن پل و تأسیس کارخانه می‌زدند یا کارها از مجرای اعطای امتیاز به شرکتها و اتباع خارجی انجام می‌شد که آن هم در اکثر موارد هدف دولت نه سودرسانی به جامعه، بلکه پر کردن جیب خود بود.

اختریان که معتقد بودند یا عملاً می‌دیدند که از دولت نباید انتظار کاری داشت متوجه مردم (بخش خصوصی) شدند، اما در آن جامعه به واسطه نبود امنیت، تراکم ثروت اندک بود. حتی اگر ثروت کافی نیز وجود داشت، امکان انجام کارهای بزرگ توسط یک نفر وجود نداشت.^{۲۶} بنا بر همین اصل، اختر تأسیس شرکتها را پیشنهاد می‌کند چرا که بنا بر زیربنای فکری‌اش در فصل ۱۵ «مبادی ثروت ملل»: اتفاق اشخاص برای شرکت در کارهای بزرگ راه «آسهل» تحصیل ثروت است. در چنین حالتی هر یک از اعضای شرکت مانند «آحاد یک خانواده بزرگ» به گوشه‌ای از آن کار چسبیده آن را به انجام می‌رساند، همچنانکه در اروپا به واسطه این‌گونه اتفاقها که از روی دانش و بینش حاصل شده «بسا کارهای بزرگ دست گرفته به انجام رسانده‌اند».^{۲۷} اختر برای اینکه مفهوم «اتفاق» را به ذهن مردم ایران نزدیک کند به آن رنگی مذهبی می‌دهد و می‌گوید: همچنانکه در نماز و حج و امثال آنها به جماعت مأمور شده‌ایم باید در انجام کارهای عمده نیز چنین باشیم.^{۲۸} اختر تشکیل شرکتها را «اسباب عمده آبادی مملکت» و مایه از بین رفتن فقر و گدایی در جامعه می‌داند.^{۲۹} این روزنامه با خوشحالی از تأسیس شرکتها در ایران خبر می‌دهد.^{۳۰} و حتی نظامنامه‌های آنها را نیز به چاپ

- ۲۱- روزنامه اختر، شماره ۲۸، سال ۲۲، ۴ رمضان ۱۳۱۳، ص ۴۰۸.
- ۲۲- روزنامه اختر، شماره ۶، سال ۱۴، ۹ صفر ۱۳۰۵، ص ۴۲.
- ۲۳- روزنامه فرهنگ، شماره ۹۷، سال ۳، ۶ جمادی‌الاول سال ۱۲۹۸.
- ۲۴- روزنامه حبل‌المتین کلکته، شماره ۳۱، سال ۷، ۱۵ ذیحجه ۱۳۱۷، ص ۱۵.
- ۲۵- پاکوب ادوارد پولاک، ایران و ایرانیان، ترجمه کیکاوس جهاننداری، انتشارات خوارزمی، تهران، ۱۳۶۸، ص ۳۴۸.
- ۲۶- به حدی که حتی بزرگترین سرمایه‌دار عصر، حاج حسن امین‌الضرب نیز از نداشتن شریک و فقدان شرکت شکوه می‌کند، به نقل از روزنامه ناصری، شماره ۲۰، سال ۲، ۱۱ ربیع‌الثانی ۱۳۱۳، ص ۱۵۲.
- ۲۷- روزنامه اختر، شماره ۳۵، سال ۲۱، ۲۲ رمضان ۱۳۱۲، ص ۵۱۴.
- ۲۸- همان‌جا.
- ۲۹- روزنامه اختر، شماره ۲۸، سال ۲۲، ۴ رمضان ۱۳۱۳، ص ۶۰۱.
- ۳۰- روزنامه اختر، شماره ۲۳، سال ۱۸، ۱۳۰۹، ص ۱۸۰.

(مجله و اداره خانه اختر)

تلاشبول خان والد در دایره
خصوصیات کارهای متعلق
به پهلوه راجع به آقا محمد طاهر
سالمب اشیا از اشتر است
کامی وکلای کرام در ممالک
پور و نزدیک کاهی در صحنه
آختر و تکانه می شود
مسنه ۳۰ ربیع الاول ۱۳۱۴
۳ آغستوس دور سنه ۱۳۱۲
۴ سبتمبر ماه فرنیکی سنه ۱۸۹۶



(نمره تبدلات سالیه)

در سعادت ۳ مجیدی سیر
دیگر ممالک محروسه محققان مجیدی
ممالک محروسه ایران سی و پنج فرانس
ممالک هندوستان و بنادر اروپا
ممالک روسی و قفقاز ۱۰ حانت
ممالک اروپا ۲۵ فرانت
من نسخه ۶۰ پاره است
اجرت پست همه جای میده
اداره است.
منشی اول حاجی میوزامهدی تبریزی

بر این ره زمانه از هر گونه وقایع و اخبار و سلیبت و بولبلیت و مژاد و ادب و دیگر منافع عمومی من گفته میشود. هفته بیکاره طبع
(بیکر داوران و نوشته های سود مند را با متن می پذیریم. در نوشتن کاغذهایی که از خرج میوه سد اداره مختار است. کاغذی راه)
(نوشته نمی شود سنجین حق لغزیده آ را دارد کاغذ هایی که پول پست ندارد گرفته نمی شود)

خودشان بود. جدای از مسأله حکومت، تشکیل و حیات شرکت در ایران مشکلات دیگری نیز داشت که روزنامه های داخلی بیش از اختر آن را مورد توجه قرار داده اند و این شاید بدان سبب بود که نویسندگان مقالات روزنامه های مذکور در مرحله «عمل» اطلاعات دست اول تری داشتند. روزنامه ناصری نبودن «قانون» شرکتها را وهن بزرگی بر این مسأله می بیند و می گوید: چندین بار در امورات عمده اتفاق حاصل شده اما چون بنیان آن بر قانون و قاعده نبود پس از چندی «شیرازه آن اتفاق از هم گسیخته» شده است.^{۳۵}

نکته دیگری که آن روزنامه، خردمندان به آن اشاره می کند، مسأله «امانت و اطمینان ملت به همدیگر است».^{۳۶} حقیقت آن است که در آن روزگار عوامل بسیاری

می رساند.^{۳۱} اما تأسیس شرکت و انجام کارهای عمرانی در ایران کار آسانی نبود، نخستین مشکل آن بود که مردم به لحاظ نظری، علی رغم توصیه ها و کوششهای اختر در قبال پیشرفت و سازندگی کشور وظیفه ای بر خود احساس نمی کردند؛ چرا که در این جامعه همه حقوق اساساً در انحصار دولت بود و همه وظایف نیز طبعاً بر عهده او قرار می گرفت. این احساس آن قدر قوی بود که وقتی در سال ۱۲۷۳ دولت درگیر جنگ با انگلستان گردید و از تجار کمک خواست، آنها یک صدا اعلام کردند «قصد دارند دیناری نپردازند».^{۳۲} مهمتر از همه اینها وجود قدرت مسلط و قاهری که هر لحظه تصمیم بگیرد، می تواند سرمایه اشخاص حقیقی یا حقوقی را ببلعد خود بزرگترین مانع بیرون آمدن و گردش سرمایه هاست.

۳۱- روزنامه اختر، شماره ۲۲، سال ۱۸، (۱۳۰۹)، ص ۱۷۱.
۳۲- کنت دوگوبینو، سه سال در آسیا، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، کتابسرا، تهران، ۱۳۶۷، ص ۲۹۸.
۳۳- فریدون آدمیت و هما ناطق، افکار اجتماعی و...، ص ۲۶۱، نکته آنکه نویسنده رساله مذکور، مجهول است.
۳۴- علی خان امین الدوله، خاطرات سیاسی، به کوشش حافظ فرمانفرمایان، چاپ سوم، تهران، ۱۳۷۰، ص ۹۹.
۳۵- روزنامه ناصری، شماره ۱۳، ۱۰ صفر ۱۳۱۵، ص ۶.
۳۶- روزنامه ناصری، شماره ۲۱، سال ۲، ۲۱ ربیع الثانی ۱۳۱۳، ص ۱۶۱.

نویسنده رساله خان خانان صریحاً اعلام می کند: اینکه مردم اقدامات شرکتی نکرده و تشکیل کمپانی نداده اند برای این است که: «به دولت خویش اعتماد ندارند».^{۳۳} البته یک بار میرزا ملکم خان این مسأله را به شاه گوشزد کرده بود و شاه حیران از اینکه «چرا باید اطمینان و امنیت در ملک ایران از مردم سلب شده باشد» حل مشکل را به مشورتخانه ارجاع داد. اما در مجلس مذکور به قول امین الدوله «ته شاه می دانست چه می خواهد و نه وزرا می فهمیدند چه باید کرد».^{۳۴} چرا که اتخاذ هر تصمیمی در این مورد بستن دست و پای



مستشارالدوله از نویسندگان روزنامه اختر

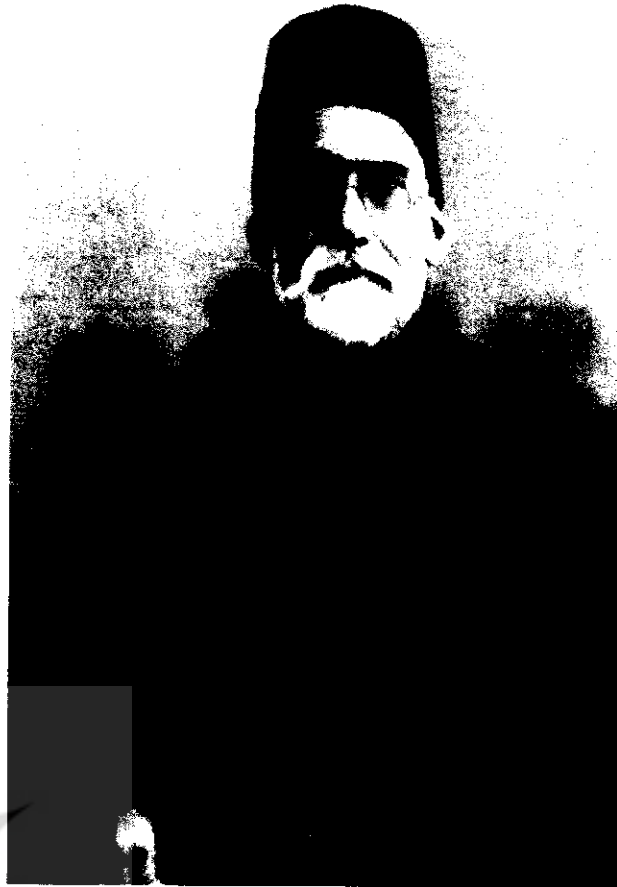
چون فساد دستگاه حکومت، فشارهای شکننده اقتصادی و نظام استبدادی حاکم، اخلاق عمومی جامعه را به تباهی کشانده بود. نه تنها اختر^{۳۷} بلکه بسیاری از ناظران عصر به این امر اشاره کرده‌اند.^{۳۸} لرد کرزن از جامعه‌ای سخن می‌گوید که رشوه‌خواری در آن بیداد می‌کند. به همین دلیل او هرگونه حسن اعتماد متقابل یا همکاری واقعی را جز به قصد تبانی، پاک منتفی می‌داند.^{۳۹}

خلاً قانون را معمولاً اعتماد متقابل پر می‌کند؛ اما وقتی مورد اخیر نیز دستخوش تزلزل باشد، دیگر نمی‌توان همکاری و اتفاقی دیروپا را انتظار داشت. این است که روزنامه ناصری «اختلاف حساب» را نیز یکی از دلایل مستعجل بودن شرکتهای ایرانی می‌داند.^{۴۰} نکته نگفته اما مهم دیگری که بستر «عرفی» مناسبی برای عدم اعتماد عمومی مهیا می‌کرد مسأله بست‌نشینی بود. کار مشارکت اقتصادی یعنی تجمع نقدینگی افراد و سپردن آنها به یک یا چند نفر برای سوددهی بیشتر. حال اگر آن فرد یا فردی از آنان بتواند از راهی سرمایه در دستش را بالا کشیده و از حسابرسی و تعقیب دولت یا دیگر شرکا مصون بماند و به زندگی عادی خویش نیز ادامه دهد، چرا چنین نکند. یکی از جنبه‌های منفی بست‌نشینی همین مسأله بود و ناظران زیادی آن را خاطرنشان کرده‌اند.^{۴۱} دکتر پولاک در اواسط این دوره از اینکه این راه آسان وجود دارد، با این حال تعداد ورشکستگان (استفاده‌کنندگان از آن) بسیار کم است، تعجب می‌کند.^{۴۲} یکی از شرکای مجلس تجار تبریز چنین کرده بود. در مقابل شکایت دیگر تجار، امین‌السلطان طی تلگرافی به روحانی پناه‌دهنده به او استدلال می‌کند که اگر بنا باشد هر کسی مال مردم را بردارد و ملتجی به حکام شرع شود و بی هیچ حساب و کتابی حمایت ببیند «راه تجارت مسدود می‌شود».^{۴۳} اختر از زبان یکی از خوانندگان خود شکایت از عالمی می‌کند که خانه خود را بست قرار داده آدمهای «مال مردم‌خور» را پناه می‌دهد.^{۴۴}

شایان ذکر است که بعدها در عهد مظفری علما به میدان آمده مردم را به تأسیس شرکتهای مروج کالاهای داخلی تشویق می‌کردند. حبل‌المتین خبر علمای اصفهان را در حمایت و ترغیب شرکت اسلامی اصفهان چاپ کرد^{۴۵} و....^{۴۶}

با همه موانعی که تشکیل شرکت و اقدامات جمعی در ایران با آن روبه‌رو بود، از اوایل قرن ۱۴ ه. ق ایرانیان به محسنات آن پی برده کم‌کم شرکتهایی در ایران اعلام موجودیت کردند. روزنامه اختر با خرسندی و با دعای

- ۳۷- روزنامه اختر، شماره ۳۸، سال ۲۲، ۱۵ ذی‌قعدة ۱۳۱۳، ص ۴۱۱.
- ۳۸- کنت‌گوینو، ص ۳۷۱.
- ۳۹- لرد کرزن، ایران و قضیه ایران، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، انتشارات علمی و فرهنگی، چ ۴، تهران، ۱۳۷۳.
- ۴۰- روزنامه ناصری، شماره ۱۸، ۱۰ ربیع‌الاول ۱۳۱۵، ص ۶.
- ۴۱- لرد کرزن، جلد ۱، ص ۶۷۳.
- ۴۲- ادوارد پولاک، ص ۳۹۳.
- ۴۳- فریدون آدمیت و هما ناطق، ص ۳۹۵، تاریخ تلگراف، محرم ۱۳۰۲.
- ۴۴- روزنامه اختر، شماره ۴۶، سال ۱۶، ۲۶ ذی‌قعدة ۱۳۰۷، ص ۳۶۹.
- ۴۵- روزنامه حبل‌المتین کلکته، شماره ۱۸، سال ۷، ۲۴ ذی‌قعدة ۱۳۱۷، ص ۱۲.
- ۴۶- در اینجا باید در نظر ویلم فلور که قانون شیعه را یکی از موانع تشکیل شرکت در ایران عنوان کرده است تردید کرد (ویلم فلور، جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجار، ترجمه ابوالقاسم سری، توس، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۵، ص ۱۷۳).



عبدالرحیم طالبوف از پیشروان تجدّد

کشور به خارج و وارد کردن «امتعة قلب و ناپایدار» خارجی باشد، دیگر چه نیازی به تشکیل کمپانی است، چراکه همه می‌توانند منفرداً چنان کنند.^{۴۸} اختر مقصود از تشکیل شرکت را آن می‌داند که عده‌ای با کمک هم، کار بزرگ و بدیعی را انجام دهند تا از «یک رشته احتیاجات» کشور را رهایی دهند. مثلاً کارخانه قندسازی برپا نمایند.^{۴۹} او در درج خبر تشکیل کمپانی امینه گفته بود آنها قصد دارند کالاهای داخلی را ترویج دهند، حتی یکی از آنها برای انجام تحقیقاتی روی نقش قالی به کردستان رفته است.^{۵۰}

مسلم، از اینکه می‌دید شرکتها در راهی افتاده‌اند که به واقع در خدمت دستگاه استعماری عصر قرار گرفته‌اند به این می‌اندیشید که نمی‌توان به حضور سازنده بخش خصوصی در چرخه اقتصاد کاملاً دل بست.^{۵۱}

الف: امتیازات

با شرحی که گفتیم اختر انجام کارهای عمرانی را از دوش دولت برداشته بر دوش مردم می‌گذارد. مردمی که بنا به دلایل فراوانی یا به این حوزه‌ها نمی‌گذاشتند و بیشتر ترجیح می‌دادند سرمایه خود را - اگر محتاطانه آن را بیرون می‌آوردند - در راه تجارت به کار اندازند. اختر بسیار متأسف بود که صاحبان سرمایه در ایران «ابداً» اعتنایی به کارهای عمرانی نمی‌کردند^{۵۲} و آن را به «تنبلی و غفلت» آنها نسبت می‌داد.^{۵۳}

فراوان برای موفقیت به شرح آنها می‌پردازد. او در سال ۱۳۰۹ نخستین شرکت تأسیس شده در ایران را «کمپانی امینه» می‌نامد. این کمپانی ۱۴ ماه پیش آغاز به کار کرده بود. پس از آن از کمپانی «اتحادیه» در تبریز و سپس کمپانی «تجارت فارس» در شیراز سخن می‌گوید. جز اینها منابع از شرکتهای دیگری نیز نام برده‌اند که در اواخر حکومت ناصرالدین شاه و دوره مظفرالدین شاه در ایران تأسیس شده‌اند.^{۴۷}

۴۷- محمدعلی جمالزاده، گنج شایگان، انتشارات کاوه، چاپ اول در ایران، تهران، ۱۳۶۲، ناشر کتاب تهران، ص ۹۸ و ویلم فلور، ص ۱۷۵.

۴۸- روزنامه اختر، شماره ۲۲، سال ۱۷، ۳ جمادی الآخر ۱۳۰۸، ص ۱۷۲.

۴۹- همان جا.

۵۰- روزنامه اختر، شماره ۲۳، سال ۱۸، ۱۷ رجب ۱۳۰۹، ص ۱۸۰.

۵۱- از میان شرکتهای موفق می‌توان از شرکت ناصری نام برد. این شرکت به وسیله معین‌التجار بوشهری برای رقابت با شرکت برادران لینچ تأسیس شد و نه تنها در حمل و نقل کالا موفق بود بلکه طرحهایی برای عمران منطقه نیز پیاده کرد (لردکروزن، جلد ۱، ص ۴۶۶).

۵۲- روزنامه اختر، شماره ۸، سال ۲۰، ۱۶ صفر ۱۳۱۱، ص ۶۶.

۵۳- روزنامه اختر، شماره ۲۸، سال ۲۲، ۴ رمضان ۱۳۱۳، ص ۱۹۴.

متأسفانه شرکتهای نوپا ترجیح می‌دادند سرمایه خود را در بخش تجارت به کار اندازند. علاوه بر سوددهی بیشتر این بخش، باید گفت فقدان امنیت معمول در جامعه خود به خود سرمایه‌ها را بدان سوق می‌داد، چراکه در تجارت، بازگشت سرمایه زودتر حاصل می‌شود و سود آن بیشتر قابل کتمان است. همچنین در این بخش، سرمایه سریعتر به پول تبدیل می‌شود. بدیهی است حفظ پول نقد از تعرض حریصان زورمند کار آسانتری است تا کارخانه یا دیگر املاک کشاورزی. این روند هرگز مورد رضایت اختر نبود؛ زیرا او معتقد بود اگر هدف از تشکیل کمپانی حمل پول

در این شرایط میدان وسیعی برای چنین اقداماتی خالی مانده و چشم‌انتظار کارفرمایان خارجی می‌ماند، کارفرمایانی که حریصانه به آنها چشم دوخته بودند.

در نیمه دوم قرن نوزدهم، سرمایه‌داری اروپا به این نقطه رسید که در کنار صدور کالا باید به صدور سرمایه نیز پردازد تا هم سرمایه‌های متراکم در آن کشورها راهی برای افزایش و ازدیاد بیابند و هم با کمک نیروی کار ارزان کشورهای مشرق زمین، سود بیشتری حاصل آنها شود. اتفاقاً در همین زمان نیز زمامداران و نخبگان کشورهای مشرق به عقب‌ماندگی و نقصان خویش نسبت به اروپا و مظاهر تمدنی آن پی برده در پی استفاده از دستاوردهای تمدنی غرب بودند. آنها می‌خواستند بدون آنکه از کیسه خویش پولی خرج کنند یا گرفتار برنامه‌ریزی و مدیریت طولانی مدتی شوند، یکشبه این دستاوردها را صاحب شوند و حتی پول کلانی نیز به آنها و اطرافیان‌شان برسد.^{۵۵}

اما یک عامل دیگری وارد این ماجرا شد آن هم این بود که شرکتهای متبوع قدرتهای مسلط، نماینده آنها محسوب می‌شدند. پس حضور آنها در کشورهای شرق علاوه بر منافع مادی (پرداخت مالیات) بر نفوذ و اقتدار آن قدرت در کشور مورد نظر می‌افزود، بدین ترتیب کسب امتیازات عرصه رقابت تازه‌ای برای دولت‌های روس و انگلیس در کشورهای مشرق زمین گردید. این رقابتها سرنوشت بسیاری از امتیازات را تعیین می‌کرد و سیاستهای «موازنه منفی و موازنه مثبت» را در کشورهای مشرق شکل می‌داد.

نخستین امتیاز عمده‌ای که قربانی این رقابتها شد، امتیاز رویتر بود. لغو این امتیاز سالها تأثیر حیاتی و تعیین‌کننده‌ای در موضوع امتیازات داشت. بدین شکل که دولت انگلستان آن را «چکش فشاری» علیه دولت ایران کرده بود و وقتی اتباع کشورهای رقیب خواهان امتیازی در ایران می‌شدند، آن کشور موضوع رویتر را مطرح می‌کرد و خواستار اعاده حقوق او می‌شد. بدین واسطه ایران ناچار عقب می‌نشست و موضوع خاتمه می‌یافت. اما ۱۷ سال بعد، این گره کور به دست امین‌السلطان و «سرهنری دروموندولف» وزیر مختار فعال انگلیس در ایران گشوده گشت. در ۲۴ صفر ۱۳۰۶ ه. ق ناصرالدین شاه خواسته ۵۰ ساله انگلستان را برآورد و رود کارون را بر کشتی‌های تمام ملل گشود. حدود ۳ ماه بعد امتیاز دیگری به انگلستان داده شد؛ تأسیس بانک شاهنشاهی. موازنه به هم خورده بود و دولت روس نوبت خود می‌دانست مهره‌اش را حرکت

دهد. دالگورکی وزیر مختار روس نخست امتیاز بانک روسی را گرفت و این آغاز روزی بود که دولت ایران را به سیاست موازنه مثبت کشاند، تا جایی که دیگر مسأله انتقال و بهره‌گیری از فن‌آوری غربی در میان نبود، بلکه حق‌الامتیاز، رشوه‌های همراه آن و ساکت کردن یکی از قدرتها در دادن امتیازات، اصل بود،^{۵۶} فوریه که در این مرحله در ایران به سر می‌برد، معتقد بود با اعطای امتیازات پی در پی «ایران بالاخره به تمامی به دست خارجیان» خواهد افتاد.^{۵۷} چرا که از این پس سرمایه‌داران اروپا، کسانی که لرد کرزن آنها را «عناصر ولگرد فتنه‌انگیز» می‌نامید^{۵۸}، «مثل مور و ملخ» در تهران ظاهر شدند^{۵۹} و امتیازات یکی‌یکی به آنان تقدیم می‌گردید. بی‌اعتنایی شاه و دستگاه حاکمه را به سرنوشت کشور و مردم از آنجا می‌توان فهمید که وقتی شاه جنگلهای شمال را به روسها داد و اطرافیان کمیاب شدن زغال در تهران را به‌عنوان پی‌آمد منفی این امتیاز برای شاه برشمردند او بی‌قیدانه گفت: «بر فرض هم [زغال] شد خرواری صد تومان، به ما چه؟»^{۶۰} چنانکه گفتیم، مسأله رشوه در این جریان بسیار مؤثر بود. دکتر فوریه در امتیاز بانک شاهنشاهی از رشوه‌های یک میلیون فرانکی در این معامله سخن می‌گوید.^{۶۱} افکار عمومی ایرانیان به دلایلی با این روند موافق نبود، چرا که امتیازات زمینه‌های کاری و معیشتی بسیاری را مثلاً در حوزه‌های شیلات و تجارت تنباکو از دست ایرانیان می‌گرفت و از آن مهمتر به لحاظ فرهنگی

۵۴- میرزاملکم در رساله اصول تمدن می‌گوید: «دولت ایران باید هر قدر می‌تواند به کمپانیهای خارجه امتیاز بدهد»، کلیات ملکم، ص ۳۳.

۵۵- در طول سلطنت ناصرالدین‌شاه مجموعاً ۸۳ فقره امتیاز عهدنامه امضاء شده و می‌دانیم حداقل ۳۵ مورد آنها پس از دریافت رشوه‌های کلان اعطا شده، احمد سیف، اقتصاد ایران در قرن نوزدهم، نشر چشمه، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۳، ص ۳۱۹.

۵۶- مثلاً لغو امتیاز تنباکو کاری بود که خود به شکل مطلوب به‌دست ایرانیان انجام می‌شد.

۵۷- دکتر فوریه، سه سال در دربار ایران، ترجمه عباس اقبال، انتشارات کتابخانه علمی، تهران، ۱۳۲۶، ص ۱۴۸.

۵۸- لرد کرزن، جلد ۱، ص ۶۲۶.

۵۹- همان‌جا.

۶۰- اعتمادالسلطنه، ص ۱۰۲۳.

۶۱- دکتر فوریه، ص ۷۷.

ایرانیان نمی‌پسندیدند در کشورشان پای بیگانگان بدان پایه گشوده شود.^{۶۲} تجلی این نارضایتی را قبل از نهضت تنباکو در رساله «خان خانان» می‌بینیم^{۶۳} و سپس در نهضت تنباکو این خشم عمومی، راه اظهار و تجلی یافت.

روزنامه اختر بنا به دلایلی می‌توانست تصویر درستی از مسأله امتیازات داشته باشد. نخست آنکه صاحبان امتیاز برای پیدا کردن شریک و به فروش رساندن سهام شرکت خویش ناچار به ذکر نقاط غیر معمول امتیاز مأخوذ در کشور متبوع خود بودند. سخنانی که اختر از آن مطلع می‌شد و به انعکاس و تحلیل آن می‌پرداخت.^{۶۴} دوم روزنامه اختر در کشوری منتشر می‌شد که خود از مدتها پیش شدیداً درگیر این مسأله بوده، تجربیات فراوانی در این زمینه اندوخته و پیامدهای این روند را می‌دید. پس اختر می‌توانست با چشم باز از امتیازات سخن بگوید و در مواردی امتیازات اخذ شده در عثمانی و ایران را با هم مقایسه کند.^{۶۵} بنابر همین اصل صورت امتیازنامه‌های مذکور را که برای بسیاری از دولتمردان ایرانی نیز مجهول بود، پیدا کرده به چاپ می‌رساند و در تحلیل آنها می‌گفت: «امثال آن شرایط خفیه در هیچ مملکتی دیده و شنیده نشده است... حقوق هیچ مملکت و ملتی بدین پایه رایگان فروخته نمی‌شود».^{۶۶}

اختر توضیح می‌دهد که در عثمانی تقاضاهای امتیاز ابتدا در وزارت «فواید عامه» و سپس وزارت جنگ مورد رسیدگی قرار می‌گیرند. سپس «مقصود اصلی» خود را بیان می‌کند که باید این امور از مجرای «چند مجلس و انجمن» که اعضای آن «مردمان کافی و باوقوف‌اند بگذرد و مدتها در سر آن مذاکره و مشاوره بشود». اختر می‌گوید: مردمان خارجی انسانهایی «زیرک و هوشیار» هستند و اگر چنین مسیری طی نشود، ممکن است دولت و ملت «فریب» بخورند. سپس صحبت از «کتابچه‌های قوانین» مخصوصی می‌کند که در همه کشورهای راجع به این امور تهیه شده‌اند که ترجمه و دسترسی به آنها کاری سهل و آسان است.^{۶۷} اخترگاه پا را فراتر گذاشته و در ادامه توضیح شرایط امتیازات می‌گوید «احدی از اولیای دولت در پی آن نیست که... منافع دایمی دولت و ملت را منظور داشته» آنها فقط وظیفه خود می‌دانند امتیازنامه‌ای را که طرف بد انصاف خود ترتیب داده، امضا کنند.^{۶۸}

او به بی‌اعتنایی دولتمردان در اعطای امتیازات اشاره می‌کند و چون نمی‌تواند با صراحت رشوه‌خواری

آنان را ابراز کند با کنایه می‌گوید «احتمال می‌رود که نکته باریکی؟! در کار هست که قلم نارسای بنده و امثال بنده از درک آن عاجز است».^{۶۹}

اما نظر مهم دیگری که اختر در این باره دارد، شایان توجه است. اختر می‌پذیرد که انجام بعضی از کارها را باید به کمپانیهای خارجه سپرد. اما معتقد است این کمپانیها نباید اتباع «همسایگان زیردست حریرص» باشند، بلکه باید از کشورهای آلمان، آمریکا، استرالیا برای انجام این کارها دعوت به عمل آید.^{۷۰} چرا که «از اجانب آنکه دورتر است نزدیک به مصلحت مملکت است».^{۷۱} اختر در جایی نیز این کشورها را «دول بی‌طرف» نامیده و علت ترجیح آنها را این امر عنوان می‌کند که در صورت بروز اختلاف و اشکال برای دولت کمتر مایه دردسر و گرفتاری می‌شوند.^{۷۲}

به واقع اگر رقابت و فشار سیاسی دولتهای روس و انگلیس را در نظر بگیریم و دولت ایران را در اعطای امتیازات مختار بدانیم، نظر اختر کاملاً مورد توجه و تأمل است، چرا که دولتهای مذکور در آن زمان چهره‌ای غیراستعماری و موجه برای کشورهای مشرق‌زمین داشتند.

۶۲. بعد از لغو امتیاز تنباکو علمای عتبات از شاه می‌خواستند سایر امتیازاتی را که در دست خارجیان است ملغی کند، به نقل از (دکتر فوریه، ص ۲۳۶).

۶۳. فریدون آدمیت و هما ناطق، ص ۲۵۷.

۶۴. مثلاً در مسأله تنباکو به نقل از صاحب امتیاز نوشت: «انحصار توتون ایران و تعیین شرایط آن به سهل‌ترین وجهی دست داد» (اختر، شماره ۱۳، سال ۱۷، ۲۷ ربیع‌الاول ۱۳۰۸، ص ۱۰۰).

۶۵. مثلاً اختر به مقایسه قرارداد تنباکوی ایران و عثمانی می‌پردازد و برتری امتیاز تنباکوی عثمانی را نشان می‌دهد، (اختر، شماره ۱۳، سال ۱۷، ۱۲ ربیع‌الاول ۱۳۰۸، ص ۱۰۰).

۶۶. روزنامه اختر، شماره ۲۲، سال ۱۷، ۲ جمادی‌الآخر ۱۳۰۸، ص ۱۷۴.

۶۷. روزنامه اختر، شماره ۲۴، سال ۱۵، ۱۹ جمادی‌الآخر ۱۳۰۶، ص ۱۸۸.

۶۸. روزنامه اختر، شماره ۴۷، سال ۱۶، ۸ ذیحجه ۱۳۰۷، ص ۳۷۷.

۶۹. روزنامه اختر، شماره ۴۰، سال ۱۶، (۱۳۰۷)، ص ۳۲۰.

۷۰. روزنامه اختر، شماره ۳۶، سال ۱۳، (۱۳۰۴)، ص ۲۹۱.

۷۱. همان‌جا.

۷۲. روزنامه اختر، شماره ۳، سال ۲۱، ۵ صفر ۱۳۱۲، ص ۳۵.